

جغرافیای قفقازیه، آلماناک بازمانده از عصر ناصری

الهام ملک‌زاده*

چکیده

جغرافیای قفقازیه نسخه خطی منحصر به فردی است که ماردروس داودخانوف (Martiros Daudkhanov)، معلم دارالفنون و مترجم دارالطباعة دولتی، آن را به فرمان ناصرالدین شاه از روسی به فارسی ترجمه کرد. کتاب جغرافیای قفقازیه سالنامه (آلماناک Almanack) مفصل قفقاز است که در سه فصل و یک مقدمه تدوین شده و دارای مطالب متنوعی درباره جغرافیای طبیعی و انسانی شهرهای قفقاز، جمعیت، اوضاع مذهبی، و سازمان تعلیم و تربیت، و وضع راه است. از این رو، منبع مهم و درخور توجهی برای آشنایی با تاریخ و جغرافیای قفقاز به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: نسخه خطی، جغرافیای قفقازیه، سالنامه قفقاز، آلماناک، تغلیس، تب نوبه.

۱. مقدمه

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۱۹۹۱، تشکیل و برپایی جمهوری‌های گرجستان و ارمنستان و آذربایجان در قفقاز جنوبی به درگیری‌های شدید قومی و سیاسی دامن زد و موجب حضور و دخالت دولت‌های مختلف در قفقاز شد. به‌ویژه آن‌که موقعیت ژئوپلیتیکی، تنوع قومی و زبانی، و توان‌مندی‌های بالقوه اقتصادی قفقاز برای رشد و توسعه توجه قدرت‌های بزرگ منطقه و جهان را به قفقاز جلب کرد و به‌لحاظ فرهنگی پژوهش‌های تازه‌ای درباره این منطقه در کانون‌های علمی جهان به‌انجام رسید. در این میان، ایران نیز که به‌لحاظ تاریخی و فرهنگی نفوذ فراوانی در قفقاز داشت و روزگاری دراز قلمرو سیاسی و فرهنگی‌اش تا دربند و داغستان دامن گسترده بود از

* استادیار پژوهشکده علوم تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دکترای تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه الزهراء، elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۲۰

دگرگونی‌های برآمده از فروپاشی اتحاد شوروی برکنار نماند و حضور خود را در منطقه تثبیت کرد. گذشته از هم‌جواری ایران با جمهوری‌های قفقاز جنوبی، که باعث برقراری روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایران با این جمهوری‌ها شده است، قفقاز شناسی و مطالعات مربوط به این حوزه در ایران رشد چشم‌گیری کرده است و محققان ایرانی کتاب‌ها و مقالات فراوانی را تولید کرده‌اند که تصحیح و انتشار نسخه خطی جغرافیای قفقاز تلاش دیگری است در راستای غنی‌تر کردن هرچه بیش‌تر این حوزه مطالعاتی.

۲. معرفی نسخه

نسخه خطی جغرافیای قفقاز با شماره بازیابی ۱۰۰۰۲-۵ در بخش نسخه‌های خطی سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی ایران نگه‌داری می‌شود. مطالب مندرج در این نسخه به‌خط نستعلیق خوش بر کاغذ فرنگی سفید لبه‌طلایی نوشته شده‌اند. جلد کتاب چرمی بنفش است و با جدول زرکوب و ضربی.

تزیینات متن شامل دو جدول است: جدول خارجی که زرکوب و مشکی است و دیگر جدول داخلی که رنگ‌های زر و شنگرف و لاجوردی در آن به‌کار رفته است. در سرلوحه نیز رنگ‌های زر و شنگرف و لاجوردی و سبز با گل و بوته به‌کار رفته و میان سطرهای دو صفحه اول طلاکوبی شده‌اند. تصویرهای کتاب، همه، حاشیه‌سازی شده‌اند. این نسخه هم‌چنین دارای سه قطعه عکس الحاقی و یک جدول است که در آن زمان حرکت کشتی‌ها نوشته شده است. این کتاب ۲۹۲ برگ چهارده‌سطری دارد که اندازه هر سطر کامل آن تقریباً ۱۴۵ میلی‌متر است و هر چهارده سطر نیز در قطعی به‌اندازه تقریباً ۲۴ سانتی‌متر نوشته شده‌اند.^۲

کتاب جغرافیای قفقاز از جمله کتاب‌های کتاب‌خانه سلطنتی یا «کتاب‌خانه اندرون» بود که بعدها به کتاب‌خانه بیوتات سلطنتی معروف شد. با تخریب کاخ‌های سلطنتی در روزگار حکومت رضاشاه، کتاب‌های کتاب‌خانه اندرون به وزارت دارایی که در محل کاخ‌های سلطنتی ساخته شده بود منتقل شدند و پس از چندی به کاخ گلستان انتقال یافتند. با پیروزی انقلاب اسلامی، تعدادی از این کتب و نسخ، از جمله نسخه جغرافیای قفقاز، به کتاب‌خانه ملی سپرده شدند و همه کتاب‌های خطی در بخش نسخه‌های خطی این کتاب‌خانه جای گرفتند. نسخه خطی جغرافیای قفقازیه نسخه‌ای منحصر به فرد است که تاکنون هیچ نسخه دیگری از آن در کتاب‌خانه‌های داخل و خارج از ایران شناسایی نشده است.

نسخه جغرافیای قفقازیه که موضوع اصلی آن «آلماناک قفقازیه» [سال‌نامه] است منبع دست‌اولی است مشحون از آگاهی‌های گوناگون دربارهٔ اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و مذهبی حوزه قفقاز، به‌ویژه گرجستان و داغستان. این نسخه، بنابر آنچه در انجام آن آمده است، به فرمان ناصرالدین شاه و به کوشش یحیی خان معتمدالملک، و «به سعی و اهتمام و مواظبت ماردروس داودخانوف، مترجم و معلم درس زبان روسی» در دارالفنون از روسی به فارسی ترجمه شده است. داودخانوف دانش‌وری از ارمنیان اهل جلفا بود که برای دانش‌اندوزی به مسکو رفت و پس از تحصیل در دانشکده السنه شرقیه لازارف سن پترزبورگ به ایران بازگشت و شروع به تدریس زبان روسی در دارالفنون کرد. وی ۳۲ سال در این مدرسه تدریس کرد و ۲۶ سال نیز مترجم قزاق‌خانه بود. افزون‌بر تدریس و ترجمه در دارالفنون و قزاق‌خانه، چندی نیز در دارالطباعة دولتی و دارالترجمه خاصه مترجم متن‌های روسی و فرانسه بود (بامداد، ۱۳۷۱: ج ۵، ۱۸۶-۱۸۷).

چگونگی آشنایی ناصرالدین‌شاه و یحیی خان معتمدالملک با کتاب جغرافیای قفقازیه آشکار نیست و نمی‌دانیم فرمان ترجمه آن چه هنگام به داودخانوف ابلاغ شد که او توانست کار ترجمه کتاب را در جمادی‌الاول ۱۲۸۷/ اوت ۱۸۷۰ به‌پایان رساند؛ زیرا در بخش پایانی کتاب فقط نوشته شده است:

حسب الامر قدر قدرت اعلی حضرت سلیمان حشمت شاهنشاه اسلام پناه، السُّلطان بن السُّلطان و الخاقان بن الخاقان، ناصرالدین‌شاه قاجار، خلد الله ملکه و ادام الله اقباله، به سعی و اهتمام جناب معتمدالملک ترجمه گردید. این کتاب *الماناک قفقازیه* به سعی و اهتمام و مواظبت این بنده درگاه، ماردروس داودخانوف مترجم و معلم درس زبان روسی مدرسه مبارکه دارالفنون، از زبان روسی به فارسی که مشتمل است بر بعضی از جغرافیای قفقازی و مختصری از تفصیل شهر تفلیس و شرحی از اسباب و جهت بروز نوبه و جهات دافعه آن در آن شهر، به تاریخ شهر جمادی‌الاول من شهر سنه ۱۲۸۷ هجری، مطابق شهر اوت من شهر سنه ۱۸۷۰ عیسوی سِمَت اتمام پذیرفت.

با این‌همه، دور نیست معتمدالملک که روزگاری نایب سفیر ایران در پترزبورگ بود و پس از آن آجودان مخصوص و مترجم حضور ناصرالدین‌شاه شد، بر اثر دوستی با داودخانوف با این کتاب آشنا شد و سپس با تلاش او شاه نیز به وجود این کتاب پی برد و فرمان ترجمه آن را به فارسی صادر کرد. فصل‌بندی و سامان‌دهی *الماناک قفقازیه* دقیق و منسجم نیست و پاره‌ای از مطالب جابه‌جا و به‌طور پراکنده نوشته شده‌اند که طی انجام تصحیح این نسخه، همگی، مرتب شدند و در جای خود قرار گرفتند.

آلماناک قفقازیه از سه فصل تشکیل شده است. پیش از این سه فصل، متن مفصلی «که مشتمل است بر بعضی از جغرافیای قفقازی و مختصری از تفصیل شهر تفلیس و شرحی از اسباب و جهت بروز نوبه و جهات دافعه آن در آن شهر» نوشته شده است که عنوانی ندارد و می‌توان عنوان «مقدمه» را بر آن نهاد. این مقدمه در واقع مطالبی است درباره علل بروز بیماری نوبه در تفلیس و راه‌های مبارزه با آن. گویا داودخانوف از نظریه میکروبی لوئی پاستور (۱۸۲۲-۱۸۹۵) که ده سال و اندی پیش از ترجمه کتاب جغرافیای قفقاز طرح و تأیید شده بود خبر نداشت و به همین سبب اشاره‌ای به نقش میکروب در بروز و شیوع این بیماری نکرده است و علت آن را همان‌طور که نویسنده کتاب نوشته بود در بخارهای مسمومی جست‌وجو می‌کرد که از بقایای پوسیده مواد آلی متصاعد و در همه‌جای تفلیس پراکنده می‌شدند. در این‌جا، نویسنده کتاب برای تبیین نظر خود مطالبی درباره اوضاع تفلیس و راه‌ورسم زندگی مردمان آن نوشته که بسیار جالب است و گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی تفلیس را بیان می‌کند؛ چنان‌که مثلاً درباره رفتار مردم آن شهر نوشته است:

در خانه‌ها رسم نیست که زباله و خاک‌روبه را از خانه بیرون برند؛ مثلاً در هر خانه که هیزم می‌شکنند اجزای صغار هیزم که بر زمین می‌ماند جمع نمی‌کنند و مدتی که آن‌ها بر زمین ماند می‌پوسد و هوا هم گرم است و باران هم بر آن‌ها می‌خورد. لهذا، بخارات مضره از آن‌ها متصاعد می‌شود و از این گذشته در آشپزخانه‌ها آن‌چه از ماکولات پس مانده و برنج و امثال آن‌ها که بعد از صرف غذا باقی می‌ماند بر روی هم انبار می‌کنند و آن قدر بر روی هم می‌ماند تا بپوسد و بعد از پوسیدن معلوم است که چه خواهد شد و ملاحظه کنید که در هر روز چه قدر از اجزای پوسیدنی مانند میوه‌جات و نباتات و غیره داخل تفلیس می‌شود که همه این‌ها مورث تعفن هواست و بدین جهت است که هوای تفلیس همه حبس که این فقره خوب معلوم می‌شود بر کوه‌نشینانی که داخل شهر می‌شوند.

و علاوه بر این‌ها چند کوچه دیگر هست که فقرای شهر مسکن دارند و همین سبب آن است بر این‌که آن کوچه‌ها چه قدر کثیف خواهد بود که آن‌چه زباله و خاک‌روبه در خانه‌های خود دارند در کوچه می‌ریزند و آب‌های کثیف از بام‌ها در کوچه‌ها علی‌الاتصال ریخته می‌شود که آن آب‌ها از کوچه [ای] به کوچه دیگر سیر می‌کنند تا این‌که گودالی پیدا کنند که در آن‌جا جمع شوند یا این‌که باران شدیدی بیاید که آن‌ها را ببرد و چنین باران هم در تفلیس کم است. پس لابد هوای متعفن از آن‌ها ساطع می‌شود و داخل

کوچه گولووینسکی می‌شود و از آن‌جا به کوچه دیگر و همین قسم گردش می‌کند تا این‌که باد شدیدی پیدا شود که آن هوا [را] به رود کورا براند؛ و خلاصه از این‌ها تجاوز کنیم، می‌توانیم گفت که همه کوچه‌ها این قسم است؛ چون‌که هیچ کوچه را جاروب نمی‌کنند و خاک‌روبه و آب کثیف هم متصل مانند کوچه‌های مذکور از داخل به خارج می‌ریزند و هیچ قدغن و نظمی در این باب مجری نیست و درحقیقت کوچه‌ها بالطبع چندان کثیف می‌باشند که از ریختن این کثافات هیچ مزید بر علت نمی‌شود و این همه کثافت کوچه‌ها درحقیقت به‌جهت این است که مفروش نیستند که اگر سنگ‌فروش می‌شد، خانه‌دارها میل نمی‌کردند که کوچه منقح را کثیف نمایند. ولی چه فایده که در تمام تفلیس قریب به ده کوچه بیش مفروش نیست و آن‌ها هم چندان خاک و گل بر روی سنگ‌ها جمع شده که هیچ معلوم نیست که مفروش است و در کوچه نیز رسم نیست که مردوها آنرا بسازند و اگر هم کسی به چنین خیال افتد طرح و قاعده معینی ندارد، هرکس به میل خود چیزی می‌سازد که وجودش کالعدم است.

بدین‌جهت همیشه در خود کوچه‌ها بخارات مضره متصاعد است مگر این‌که مدتی مدید آفتاب بتابد و باران نیاید که کوچه‌ها خشک گشته رفع آن حرارت بشود و در این‌صورت چندان گردوغبار در کوچه‌ها جمع می‌شود که گویا چاپارخانه ساخته شده، اما در سنه ۱۸۶۲ بر نوزده‌هزار و هفتصد و شصت و شش هزار ذرع سنگ‌فروش تفلیس سیصد و هفت هزار و چهارصد ذرع افزوده و کوچه‌ها تفاوت بسیار کرده و اگر همه‌ساله به این نهج پیش روند احتمال کلی است که در مدتی قلیل جمیع کوچه‌ها مفروش و منقح شود، اما باوجود این‌همه معایب که برای کوچه‌ها ذکر کردیم، چون ملاحظه بازارها را کنیم، عفونات کوچه‌ها هیچ خواهد شد؛ به‌خصوص دکاکین و بازارهایی که در آن‌ها میوه‌جات و ماکولات فروخته می‌شوند که آن‌ها به‌حدی کثیف می‌باشند که شخصی که عادت به آن هوا نداشته باشد به‌محض ورود در آن‌جا چنان متفر می‌شود که هیچ خیالی ندارد مگر فرار از آن‌جا؛ و هم‌چنین نیز در محلات [ی] که دکاکین بقالی و تنباکوفروشی و می‌خانه و امثال آن‌ها به قطار یک‌دیگر واقع‌اند هر یک کثافت مخصوصی دارند و صاحبان دکان گویا چنین گمان می‌کنند که هر یک در شارع جلو [ی] دکان خود حقی دارند که آن‌چه از صبح تا به شام خاک‌روبه در دکانش جمع می‌شود در جلو [ی] دکانش می‌ریزد و اگر هم گوسفند و گاوی را بخواهد ذبح کند در همان‌جا ذبح می‌کند و هیچ منعی نیست و همین‌قدر رسم است که حیوانات درشت را مانند گاو و اشتر و امثال آن‌ها را پیش از طلوع آفتاب ذبح و نحر می‌نمایند ولی حیوانات کوچک را، مانند بز و گوسفند و غیره، هر وقت و هر جا که بخواهند می‌توانند ذبح نمود و اگر عابرین نتوانند نگاه کنند باید چشم خود را بپوشند.

اگرچه هرکس تعجب می‌کند که چرا سلاخان این عمل را در جای مخصوص و در کنار رود کورا مرتکب نمی‌شوند که هم چشم خلق نمی‌دید و هم عفونت شهر تخفیف می‌یافت، اما خود ایشان که این ملاحظه را نمی‌کنند محض این است که مجبور نیستند. لهذا، به خود قدری زحمت راه هموار نمی‌کنند و ایضاً دو سبب دیگر هست در تفلیس که کسی ملتفت نیست، ولی مورثی کلی است به جهت مرض نوبه یکی آن است که رسم است قبرستان را در امکان مرتفعه قرار می‌دهند و معلوم است که هرچه آن زمین خشک باشد، در هر حال بدن میت خواهد پوسید و از قبور بخارات متعفن جزء هوا خواهد شد و آن هوا به جهت ثقل خود همیشه میل به مکان پست می‌کند و ساکنین اطراف از آن هوا استشمام کرده به امراض مبتلا می‌شوند. چنین معلوم می‌شود که اهل تفلیس یا هر شهر دیگر که قبرستان را در مکان مرتفع قرار می‌دهند، درحقیقت، مکان خوب که هوای نیک دارد از برای اموات برگزیده‌اند و مکان خوش‌هوا را از برای زندگان و اگر چنین نبود که در تفلیس قبرستان را در کنار رود کورا قرار می‌دادند بادهای شمالی نمی‌گذاشت هرگز آن بخارات به اهل شهر تأثیری کنند (نسخه خطی جغرافیای قفقازیه: گ ۳۷-۴۱).

از این گذشته، بررسی اسباب شیوع بیماری نوبه در تفلیس بهانه‌ای بود که نویسنده کتاب مطالب کوتاه و سودمندی درباره تاریخ و بنای تفلیس بنویسد. بنابر مطالعات نویسنده کتاب، هزاروپانصد سال قبل از این، به‌جای تفلیس، قریه کوچکی بوده و ایرانیان در آن قریه قلعه محقری بنا نهاده ... بعد از آن سلاطین گرجستان آن‌جا را متصرف و آن قلعه را خراب کردند ... و بعد از استقلال سلاطین گرجیه در قرب چشمه آب گرم گوگرد بنای همین شهر را نهادند که موسوم شد به نیلیسی، یعنی آب گرم، و بعد از آن که روسیه آن شهر را متصرف شدند، اسمش تبدیل یافت به تفلیس.

نویسنده نسخه، پس از مقایسه تفلیس قدیم و تفلیس جدید از نظر وسعت و اوضاع شهر به‌لحاظ ساختمان‌ها و وجود باغ‌ها، نکته‌های مهم و درخور توجهی درباره عقاید عامه و رفتار جمعی مردم ارائه کرده است که نشان از دقت و توجه اوست به آنچه در اطرافش می‌گذشت. چنان‌که درباره عقاید عامه نوشته است: «عوام ما صدای رعدوبرق را که می‌شنوند می‌گویند ایلیا یکی از انبیا در آسمان با کالسکه گردش می‌کند». هم‌چنین، درباره رفتار جمعی گروه از اهالی تفلیس یادآوری کرده است:

اهل دهات عادت کرده‌اند که متصل در کنافات غوطه‌ور باشند. مثلاً از آن قبیل در جلوی هر خانه زباله بسیار انبار کرده‌اند و هیچ‌کدام دریند پاکیزگی درب خانه خود

نیستند و آن خاک‌رو به همین قسم می‌ماند تا این که به میل خود معدوم گردد و بدین واسطه ابخره مضره از آن‌ها متصاعد می‌شود و این تعجب است که کثافت ساکنین از مجاورت به اهل اروپا نیز تأثیر کرده، چنان‌که بعضی نم‌سه‌ها، که در آنجا مسکن دارند، آن‌ها هم مانند سایرین ابداً به فکر تنظیم و تنقیح حیاط و جلوی خانه خود نیستند، مگر به ندرت شخصی باسلیقه پیدا شود.

در جای دیگر تأکید کرده است:

اما با وجود این همه معایب که برای کوچه‌ها ذکر کردیم، چون ملاحظه بازارها را کنیم، عفوئات کوچه‌ها هیچ خواهد شد؛ به‌خصوص دکاکین و بازارهایی که در آن‌ها میوه‌جات و ماکولات فروخته می‌شوند که آن‌ها به‌حدی کثیف می‌باشند که شخصی که عادت به آن هوا نداشته باشد، به‌محض ورود در آنجا، چنان متنفّر می‌شود که هیچ خیالی ندارد، مگر فرار از آنجا.

داودخانوف زبان فارسی را به‌خوبی می‌دانست. از مقدمه کتابش درباره تفسیر می‌توان دریافت تا چه اندازه در خواندن و نوشتن به فارسی ذوق و مهارت داشت. داودخانوف، برای بیان مطالب خود، از واژه‌ها و ترکیب‌های فراوانی بهره گرفته که تعدادی از آن‌ها را در معانی تازه‌ای به‌کار برده است که معلوم نیست آن‌ها را بر ساخته یا از جای دیگری اقتباس کرده است. نمونه‌ای از این دست واژه و ترکیب‌ها عبارت‌اند از: آتش‌خانه به معنی اسلحه گرم؛ خانه‌دار به معنی صاحب‌خانه؛ میل ملایم به معنی شیب کم؛ آثار طبیعی به معنی جغرافیای طبیعی؛ و برگ‌رها به معنی برگ جداشده از درخت.

داودخانوف، به شیوه تعدادی از نویسندگان متصنع و مغلق‌نویس عصر قاجار، تعدادی از کلمه‌ها را به‌روش جمع مکسر عربی جمع بسته که ممکن است فهمیدن معنی آن‌ها برای شماری از خوانندگان امروزی دشوار باشد؛ مثلاً عایق را که اسم فاعل است به صورت عمایق جمع بسته است و به معنی بازدارنده و مانع به‌کار برده است که درک معنی آن به آسانی ممکن نیست و شاید کسانی آن را جمع مکسر عمیق بخوانند.

داودخانوف، افزون بر استفاده از جمع مکسر، شیوه جمع جمع، آن هم با ات، نیز به‌کار گرفته و کلمه حوادث به حوادث تبدیل شده است. دستور خطی (رسم الخطی) که داودخانوف یا نویسنده اصلی کتاب به‌کار برده شیوه چسبیده و سرهم‌نویسی است؛ چنان‌که می‌(نشانه ماضی استمراری و مضارع ساده)، حرف اضافه به و اسم اشاره این و آن را به جزء بعدی چسبانده و نوشته است: مینهد (می‌نهد)، آنسر (آن‌سر)، بمقصود (به‌مقصود). او

همه جا به شیوه پیشینیان، به جای گ، ک نوشته است و به همین سبب کشته را با توجه به معنی و مفهوم جمله باید گشته خواند. هنگام جمع بستن واژه هایی که به های غیر ملفوظ ختم می شوند، با نشانه ها، ه را حذف کرده و مثلاً به جای کوچها نوشته است: کوچها.

چنان که پیش از این اشاره شد، آلماناک قفقازیه در سه فصل تدوین شده است که برای جدا کردن هر موضوع از موضوع دیگر و دست یابی آسان به مطالب مورد نظر، در تصحیحی که از آن به عمل آمد، فصل اول به شش بخش، فصل دوم به چهار بخش، و فصل سوم به نه بخش تقسیم شد.

۱،۲ فصل اول

در بخش اول این فصل، زیر عنوان «فهرست وقایع و حوادث غریبه که در سنه ۱۸۶۱ در قفقازیه و در اطراف آن اتفاق افتاده اند»، فهرست رویدادهایی آمده است که نخستین آن ها زلزله ای است که در ۱۵ ژانویه در حومه بادکوبه روی داد و آخرین آن ها نیز ثبت زمین لرزه ای است که در ۲۴ اکتبر در شهر پتیکورست (Ptikorest) رخ نمود. در این فهرست کوتاه از هفت زمین لرزه و چند حادثه طبیعی دیگر، از جمله مشاهده ستاره دنباله دار و پیدایش یک جزیره طبیعی در دریای خزر، یاد شده است که به لحاظ زمین شناسی و دگرگونی های کف دریای خزر اهمیت شایان دارد.

هم چنین، در فهرست نسبتاً مفصلی «اسامی شهرها و امکنه متفرقه» مختلفی نوشته شده و در دو ستون دیگر که در برابر این فهرست قرار دارد «ایام و ساعات حرکت» و «ایام و ساعات ورود» نوشته شده است که نشان می دهد مسافرت و جابه جایی تابع نظم و قواعد مخصوصی بود.

جدول ۱.

ورود	حرکت	اسامی شهرها و امکنه متفرقه
ایام و ساعات	ایام و ساعات	به شهر تفلیس و به همه شهرهای دولت و آن سمت قفقاز به غیر از پوتی و سوخومی
از ردودکاله (Redutkale) روز جمعه در شش ساعت بعد از ظهر	روز جمعه تا هفت ساعت عصر روز دوشنبه تا چهار ساعت عصر	زوگدید
از آزرگتی روز جمعه در شش ساعت بعد از ظهر	روز دوشنبه و چهارشنبه از شش تا هفت ساعت بعد از ظهر	به آزرگتی ^۶
از استاوروپل روز سه شنبه و پنجشنبه	هر روز	از لاینسکی ^۷

<p>در چهار ساعت و چهل و پنج دقیقه و سه ساعت و بیست دقیقه بعد از ظهر روز سه‌شنبه و شنبه در سه ساعت و بیست دقیقه بعد از ظهر</p>		<p>به همه شهرهای قفقازیه و آن سمت قفقازیه از لارس^۱ به همه شهرهای دولت و شهرهای آن سمت قفقازیه پست مخصوص از روسیه</p>
<p>ایام و ساعات</p>	<p>ایام و ساعات</p>	<p>از تفلیس پست سبک از روسیه از تفلیس پست سنگین از روسیه از تفلیس از لنکران به همه شهرهای دولت</p>
<p>روز دوشنبه و پنج‌شنبه در پنج ساعت و بیست و پنج دقیقه بعد از ظهر روز جمعه در دو ساعت و پنجاه دقیقه بعد از ظهر روز پنج‌شنبه و یک‌شنبه در چهار ساعت و چهل دقیقه بعد از ظهر روز جمعه در ده ساعت و نیم بعد از دسته نصف شب روز چهارشنبه و شنبه در یازده ساعت و بیست و پنج دقیقه بعد از ظهر روز چهارشنبه در ده ساعت و چهل و پنج دقیقه بعد از نصف شب</p>	<p>روز دوشنبه تا دو ساعت از روز بالا آمده</p>	

در بخش دوم، تحت عنوان «اخبار و اطلاعات در خصوص اوقاتی که معابر و جاده‌های مشهور جنگی گرجستان در جبال قفقازیه به جهت نزول برف و غیره مسدود گشته‌اند و باز شده‌اند از سنه ۱۸۵۱ الی سنه ۱۸۶۲» آگاهی‌های فراوانی درباره علل بسته شدن راه‌ها آمده است. اما آنچه مهم است اراده‌ای محکم و اقدامی اساسی برای بازکردن راه‌ها در مدتی بسیار کوتاه، مثلاً جاده‌ای در «صبح نوزدهم ماه فوریه از برف زیاد و بوران شدید مسدود» شد که بی‌درنگ «در بیست و پنجم همان ماه در وقت ظهر باز» شد.

بخش سوم مخصوص «بعد و فاصله مابین دو شهر تفلیس و استاوراپل و شهرها و بلاد معروف قفقازیه چه از شاه‌راه‌های پست‌خانه و چه از جاده‌های دیگر از روی ورس» است. جالب آن‌که نویسنده بر اثر دقت فراوان متوجه شد اخبار و اطلاعاتی که «در کتب آلماناک ما و در خصوص بُعد و فاصله‌های مابین شهرهای متفرقه» آمده است چندان درست نیست و بر اساس دگرگونی‌های فراوانی که در اوضاع و احوال قفقازیه به‌انجام رسیده لازم است راه دیگری درپیش گرفت. این «قاعده و رسم جدید»ی که نویسنده سال‌نامه درپیش گرفت این بود که «فاصله‌های همه شهرها را تا به شهر تفلیس و استاوراپل» تهیه کرد و

«فاصله‌های مابین منازلی که در آن سمت رود کوبان تازه برقرار شده» بود مشخص کرد و تفصیل آن را در جدولی با سه ستون نوشت.

بخش چهارم این فصل مربوط به «قواعد پست‌خانه‌های قفقازیه» است. چنان‌که از همین عنوان پیدا است، در این بخش عوارض مختلف راه، که برای رفت‌وآمد مسافران و کالاهای گوناگون وضع شده، آمده است؛ مثلاً اشخاصی که با کالسکه‌های خود یا با کالسکه‌های پست‌خانه آمدو شد می‌کنند باید از قرار عدد اسبانی که به کالسکه‌های خود می‌بندند، جهت هر ورستی از برای هر اسبی، کرایه‌ای که مقرر است دهند. «آن‌هایی که از برای امورات خود می‌روند از برای هر اسبی در هر ورستی چهار کوچک باید بدهند».

جدول ۲.

ورود	حرکت	اسامی پست‌خانه‌ها ^۹
ایام و ساعات	ایام و ساعات	آ
از تغلیس وارد می‌شود روزهای پنج‌شنبه و دوشنبه شش ساعت و پنجاه دقیقه بعد از نصف شب	یک‌شنبه و چهارشنبه تا وقت غروب هر که کاغذ یا امانتی دارد قبول می‌شود روانه می‌شود.	از شهر الکسندروف (Alexandrov) پست مخصوص به همه شهرها و امکنه واقع در امتداد جاده‌های پترزبورگ و چرنومورسک (Chemomorsk) و تا نخجوان در اسنوف و تا کانروک و اودسا و دارسوی (Darsuy)

در بخش پنجم، در فهرست مفصلی «ایام حرکت و ورود پست در همه شهرها و امکنه متفرقه قفقازیه به ردیف الفبای روسی» نوشته شده است. پس از آن، قوانینی که «درخصوص مقدار وجه و نرخ معموله به جهت حمل و نقل کاغذ و امانت در همه شهرهای داخله و خارجه در پست‌خانه‌ها استرداد» می‌شد به تفصیل نوشته شده که همه آن‌ها حاکی از قانون‌مند بودن فعالیت پست‌خانه در آن هنگام است و این‌که درباره جزئی‌ترین بسته‌های پستی نیز قانونی وضع شده بود و مثلاً معلوم بود «از کاغذی که در آن بلیت‌های خزانه دولتی و یا تمشک و سایر اسناد که بر روی کاغذهای مهوره دولتی نوشته شده» است چه مقدار پول باید گرفته شود.

... ابتدای آمدو شد کشتی بخار کمپانی قفقاز و مرکورای در دریای خزر از اول ماه آوریل است و طول می‌کشد تا پانزدهم ماه اکتبر و از پانزدهم این ماه تا اول ماه آوریل باز ماه یک دفعه کشتی بخار از بادکوبه به همه بندرگاه‌های جنوبی دریا آمدو شد می‌کند. ایام حرکت کشتی از کنار دریا سیم و هیجدهم هر ماه است و کشتی که از حاجی ترخان

روانه می‌شود به محض این‌که وارد بادکوبه می‌شود مسافرین و بارها را تحویل کشتی بخار دیگری می‌کند و مسافرین و بارهای آن را گرفته، مراجعت به حاجی‌ترخان می‌کند، و در عرض راه در همه بندرگاه‌های آن‌عرض راه مدتی ایست می‌کند.

به غیر از این‌که هر ماه دو دفعه کشتی بخار از حاجی‌ترخان تا همه بندرهای جنوبی دریا آمدو شد می‌کند، از اول ماه آوریل تا پانزدهم ماه اکتبر، هر سوم ماه کشتی مخصوصی از حاجی‌ترخان عزیمت [بلوک؟] کاراکان می‌کند و مراجعت می‌کند.

ناظم کمپانی کشتی بخار قفقاز و مرکورای در حاجی‌ترخان و یکتور یمانویلوویچ پلاتونوف (Viktor Emmanuilovich Platonov) است، و گماشته کمپانی در بادکوبه لیون کا سپارویچ یقولوف (Lion Kasparovich Yakulov) است، و در کنار جنوب دریا یکور واسیلویچ کرلیکوف (Igor Vasilovich Karlikov) است، و در تفلیس استپان الکسندروویچ بنزار (Stepan Alexandrovich Benzar) است.

در بخش ششم «حرکت و ورود کشتی‌های بخار کمپانی‌های قفقاز و مرکوری در بحر خزر» آمده است و در جدولی مقدار پولی که «به جهت اخبار تلگرافی در قفقاز از شهر تفلیس تا به پونئی و شهرها و امکنة‌ای که در عرض آن خط تلگرافی واقع‌اند» دریافت می‌شد با ذکر جزئیات نقل شده و مثلاً مشخص شده است که در ازای «یک خبر تلگرافی از یک کلمه تا بیست و پنج کلمه» چند کوپک باید پرداخت می‌شد. در جدول دیگری در همین بخش، بهای هشت نوع کاغذ که برای نوشتن عریضه استفاده می‌شد نوشته شده است.

۲,۲ فصل دوم

در بخش اول این فصل، فهرست کوتاهی درباره «وقایع عمده و معروفی که در مملکت قفقاز و آن سمت قفقازیه اتفاق افتاده» نوشته شده است: این رویدادها به دو قسمت سال‌های «پیش از تولد حضرت عیسی (ع)» و سال‌های «پس از میلاد حضرت عیسی (ع)» تقسیم شده‌اند. رویدادهای پیش از میلاد اندک‌اند و فقط ۳۱ رویداد را در بر می‌گیرند. این وقایع از ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد که طوفان نوح (ع) در آن به وقوع پیوست شروع می‌شود و با تسلیم حال از سوی دولت رومن گرجستان به مهرداد پادشاه اشکانی در سال ۲۸ میلادی پایان می‌پذیرد. بخش وقایع پس از میلاد بسیار مفصل است و از سال ۳۳ میلادی که اوکار

سلطان ایدس به آیین ترسایان درآمد آغاز می‌شود و با عزیمت کراف پاسکیویچ از قفقاز به پولون در سال ۱۸۳۱ میلادی به پایان می‌رسد.

... سنه پیش از تولد حضرت عیسی(ع)

در سنه ۲۵۰۰ طوفان نوح (ع)

در سنه ۲۱۱۰ حایک از مملکت خالدی^۵ نقل مکان می‌کند و به دامنه کوه‌های آرارات آمده، بنای دولت ارامنه می‌کند و کارتلوس (Khalifin et al, 1977: 280) در کارتلی^{۱۶} متمکن می‌شود.

از سنه ۱۷۴۰ الی ۱۷۳۰ شامیرام (Richmond, 2008: 22) ولایت [ی] چند از دولت ارامنه متصرف می‌شود و دولت با پول رأی کلی تصاحب می‌نماید.

در سنه ۱۳۵۰ سفر شهر ارکوس^۷ به گرجستان به جهت یافتن پوست طلای گوسفندی را.

در سنه ۷۴۸ پارویر (Parvir) بعد از سرنگون شدن سارداناپال^۸ باز دولت ارامنه را برقرار و از اسیری نجات می‌دهد.

در سنه ۷۴۰ اول ظهور سلسله ار سرون^۹ که از اولاد سنکریم^{۱۰} که در ارمنستان متمکن شده بودند.

در سنه ۷۲۰ یک گروهی از اسرای یهودی در مملکتی که حال مشهور است به گوریا^{۱۱} و لازستان^{۱۲} متمکن می‌شوند.

در سنه ۷۰۰ اول ظهور سلسله باگراتونی (Bronshtein, 2000: 30-34; Khalifin et al., 1977:) از طایفه باگرات^{۲۳}.

بخش دوم درباره مجلسی است «که به خیال ترقی و ترویج عمل زراعت و صنایع مفیده متفرقه و شیوع اخبار و اطلاعات متعلقه به همه اقسام کسب و صنعت» در ۲۷ فوریه ۱۸۵۰، برپا شد. چگونگی فعالیت این مجلس که برای رشد و توسعه کشاورزی و صنایع کوچک از جمله قالی‌بافی و نمدمالی و شیشه‌سازی، و بخاری، و... تأسیس شده بود به تفصیل بیان شده و مقررات مربوط به آن نوشته شده است. یکی از قوانین موضوعه این مجلس این بود که برای تشویق کشاورزان و صنعت‌گران نمونه که موفق به تولید محصولات مرغوب و

کالاهای صنعتی بی‌عیب و نقص و موردپسند شده بودند جوایزی «از قبیل مدال طلا و نقره و مفرغ و توصیف نامه و پول نقد عطا» می‌شد.

بخش سوم «در خصوص خزانه عام قفقازیه» است که برای سروسامان دادن به امور شهرهای قفقاز تأسیس شده بود. در این بخش، «در کیفیت و حالت خزانه قفقاز در سنه ۱۸۶۱» شرحی نوشته شده است و «مقدار وجوهاتی را که داخل خزانه شده» یا از آن خارج شده بود مشخص و قواعد و شروط آن تعیین شده‌اند.

بخش چهارم، در این بخش روزشمار رویدادها از سوم ژانویه ۱۸۴۴ آغاز می‌شود و در دهم سپتامبر ۱۸۶۲ پایان می‌گیرد.

بخش پنجم «در تولد و تناسل و در تعداد موتی و تزویج» در میان «پیروان مذهب گرگ روسی و ارامنه گریگوریانی و مسلمانان در قفقازیه و آن سمت در سنه ۱۸۶۱» است و سپس «در خصوص تعداد مدارس و معلمین و متعلمین» و «تعداد مدارس روحانی و معلمین و متعلمین آن‌ها» این آمار و آگاهی‌ها کا سنی‌ها و نادر سنی‌هایی دارد که مؤلف، خود، به آن اشاره کرده و علل آن‌ها را برشمرده است.

جدول ۳.

در تولد و تناسل و در تعداد موتی و تزویج در مملکت قفقازیه و آن سمت قفقازیه در سنه ۱۸۶۱							
عقد و نکاح‌کرده	جمع	فوت‌شده		جمع	تولدشده		پیروان مذهب
		اناثیه	ذکور		اناثیه	ذکور	
نفر	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر	
۱۶۲۶۱	۴۹۰۵۹	۲۱۳۹۵	۲۷۶۶۴	۵۹۵۵۹	۲۸۹۷۴	۳۰۵۸۵	پیروان مذهب گرگ روسی
۴۵	۱۴۵	۷۴	۷۱	۲۳۰	۱۰۲	۱۲۸	پیروان لوتر ^{۲۴}
۴۱۷۸	۷۱۵۷	۳۳۱۱	۳۸۴۶	۱۶۶۰۶	۷۸۶۰	۸۷۴۶	ارامنه گریگوری ^{۲۵}
۱۱۱	۲۱۱	۱۰۴	۱۰۷	۵۶۲	۲۷۱	۲۹۱	ارامنه کاتولیک ^{۲۶}
۴۱	۱۲۹	۵۷	۷۲	۱۷۹	۹۰	۸۹	یهود
۱۰۱۶۷	۲۶۶۵	۱۲۷۶۱	۱۳۸۰۴	۳۸۲۶۲	۱۹۷۱۵	۱۸۵۴۷	مسلمان

۳۰۸۰۳	۸۳۲۶۶	۳۷۷۰۲	۴۵۵۶۴	۱۱۵۳۹۸	۵۷۰۱۲	۵۸۳۸۶	مجموع همه
-------	-------	-------	-------	--------	-------	-------	-----------

۳,۲ فصل سوم

این فصل به نُه بخش تقسیم شد که عبارت‌اند از: «فهرست کارپردازخانه‌ها و دیوان‌خانه‌ها و امنا و رؤسا و سایر صاحب‌منصبان دولت در کل مملکت قفقازیه و آن سمت قفقازیه»؛
فهرست «کارپردازخانه‌ها و دیوان‌خانه‌های مخصوص انجام امورات مذهبی در کل مملکت قفقازیه و آن سمت قفقازیه و...»؛

فهرست «مدارس دولتی و رؤسای آن‌ها در مملکت قفقازیه»؛

فهرست «محکمه‌ها و اطبا در مملکت قفقازیه»؛

فهرست «قراول‌خانه و قرانتین و آن سمت قفقازیه»؛

فهرست «معادن و آن سمت قفقازیه»؛

فهرست «اسامی کارپردازان دول خارجی و سایر صاحب‌منصبان آن‌ها».

.... اسامی کارپردازان دول خارجی و سایر صاحب‌منصبان آن‌ها در شهر تفلیس

میرزا عبدالرحیم جنرال کنسول^۷ و کارپرداز اول دولت علیه ایران می‌باشد و میرزا عبدالوهاب خان نایب او و میرزا پارسخ ملیک میناسوف مترجم او می‌باشند.
پرتو افندی جنرال کنسول و کارپرداز دولت عثمانیه می‌باشد.
بوژوفینو (Bozhovino) کنسول دولت فرانسه است و دترم‌مازیور (Determazur) نایب او می‌باشد.

کارل کرامر دیکسن (Karl Kramer Dickson) کنسول دولت انگلیس در سوخومی و ردوت‌کاله می‌باشد و روبرت ویلکنسون نایب کنسول پوتی می‌باشد.

اسامی سفرا و سایر صاحب‌منصبان آن‌ها که از دولت بهیئه روسیه مأمور دول خارجی می‌باشند.

در دولت علیه ایران

میخائیل فیودورویچ بارتولومه (Mikhail Fiodorovich Bartolome) شارژ دافرا^۸ است و واسیلی ایوانوچ سوریوکین (Vasili Ivanovich Suryukin) مترجم اول او می‌باشد.

ایوان الکسیوویچ زینوویف (Ivan Alekseevich Zinovyev) جنرال کنسول موقتی در شهر تبریز می‌باشد.

نیکلای الکسندروویچ پاولوف (Nikolay Aleksandrovich Pavlov) کنسول گیلان است و واسیلی واسلیوویچ گوسیف (Vasily Vasilyevich Gusev) کنسول استرآباد است. در دولت عثمانیه

کینیا الکسی بوریسوویچ لوبانوف - روستوسکی (Aleksey Borisovich Lobanov-Rostovsky) وزیر مختار و مخصوص از جانب اعلی حضرت امپراتور روسیه است.

نیکلای ایوانوویچ چریتانوف (Nikolay Ivanovich Cheritanov) جنرال کنسول در شهر اسلامبول است و ژوبی (Zhubi) کنسول ارزروم و اموشنین (Mushnin) کنسول در بیرون می‌باشند و جیودیچ (Jyudich) نایب کنسول در باتومی (Batumi) و میکلی (Mikelli) در سینوپا و مارکاروف (Markarov) در فارس می‌باشند.

اسامی وزرا و امنای دول خارجه در دولت علیّه ایران

میرزا سعیدخان وزیر امور داخله است و ابراهیم‌خان وزیر عدلیه می‌باشد و میرزا محمدخان وزیر جنگ و دوست‌علی‌خان وزیر خزانه و پاشاخان وزیر حضور و شاه‌زاده علی‌قلی میرزا وزیر علوم و تجارت می‌باشند.

نواب اشرف والا شاه‌زاده اعظم مظفرالدین میرزا حاکم مملکت آذربایجان است و سردارقلی عزیزخان وزیر او می‌باشد.

و میرزا عبدالوهاب‌خان مأمور به رسیدگی امور خارجه می‌باشد. میرزا محمد حاکم استرآباد است و قاسم‌خان والی گیلان می‌باشد... .

۳. نتیجه‌گیری

معارف‌پروری ناصرالدین‌شاه، تا آن‌جا که به حکومت فردی و استبدادی او لطمه نمی‌زد، باعث شد نسخه جغرافیای قفقازیه از روسی به فارسی ترجمه و سپس چاپ و منتشر شود. ترجمه فارسی این کتاب که مؤلف آن هم‌چنان ناشناخته مانده است نسخه خطی منحصر به فردی در حوزه مطالعاتی قفقاز، به‌ویژه گرجستان و داغستان، است. مؤلف کتاب به‌بهاغه نوشتن آلماناک - سال‌نامه - قفقاز، مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و مذهبی این خطه را شناسانده است که از خلال مطالب آن می‌توان به پاره‌ای از علل دگرگونی‌های

جغرافیایی منطقه قفقاز پی برد. هرچند ترجمه فارسی قسمت‌هایی از کتاب متصنع و مغلق است، نشانه‌هایی چند از شکل‌گیری نهضت ساده‌نویسی دوران مشروطه را در بر دارد. این ساده‌نویسی که طلیعه آن در نثر داودخانوف آشکار است سبب شد مردم معمولی که سواد خواندن داشتند بتوانند جغرافیای قفقازیه را بخوانند؛ پیش از آن که کتاب احمد و مسالک المحسنین عبدالرحیم طالبوف و سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیک چاپ و منتشر شود. گذشته از این، جغرافیای قفقازیه برای خواننده ایرانی روزگار قاجاریه کتاب بیگانه‌ای نبود؛ چراکه جابه‌جا آثار فرهنگ ایرانی در آن مشهود است. شاید به‌همین دلیل ناصرالدین شاه و یحیی‌خان معتمدالملک اهتمام ویژه‌ای برای ترجمه و انتشار آن داشته‌اند.

حسب الامر قدیر
سیدان حشمت شایسته اسلام
استادان برتسلطان والحقان بن الحقان
ناصرالدین شاه قاجار خستاد الله علیه وادام الله حباً له
بسی و بیست و پنج کتاب مستطاب الکتاب ترجمه کردید این کتاب الماناک
قققازیه بسی و بیست و پنج کتاب این بنده در کاه مار و روس و ادو و خائف ترجم
و علم درسی زبان روسی در سبب بار که در الفنون از زبان روسی بفارسی که مشتمل است
در جغرافیای قفقازی و تصریحی از تفصیل شهر طغنبس و شرحی از سبب
و جهت مجوز نوب و جهات دافعه آن در آن شهر
تاریخ شرفیاد اولی الاصل من شهر ۱۲۸۷ هجری
مطابق شرافت من شهر ۱۲۸۷
عبدیوس ستانام
پزیش

ضمیمه ۱. صفحه آخر نسخه خطی جغرافیای قفقازیه

پی‌نوشت‌ها

۱. جغرافیای قفقازیه عنوان نسخه‌ای خطی است که به‌عنوان طرح موظف نگارنده مقاله در سال ۱۳۹۲-۱۳۹۳ طی دوران مأموریت در مرکز اسناد فرهنگی آسیا تصحیح شد و به‌انجام رسید. در حال حاضر هم مراحل فنی انتشار را پشت سر می‌گذارد.
۲. در معرفی این نسخه که در کتاب‌خانه ملی ایران نوشته شده آمده است: «اندازه سطور آن ۱۷۵×۱۲۰ در قطع ۲۰۰×۲۶۵ است که نادرست است».
۳. متن اصلی: مرد روها. همان: مردرو «راه تنگ و معبر و گذرگاه» که در متن حاضر به‌معنای «پیاده‌رو» به‌کار رفته است.
۴. ممنوع، ممنوع‌شده.
۵. شیوه و روش.
۶. متن اصلی: اوزورکتی. تلفظ درست و اصلی: اوزورگتی Ozurgeti. نام شهر و مرکز شهرستان در گرجستان غربی.
۷. Labinsky. نام شهر و مرکز شهرستان در استان کراسنودار روسیه جنوبی.
۸. Lars نام روستای مرزی بین گرجستان و روسیه در رشته‌کوه‌های قفقاز شمالی. گذرگاه لارس.
۹. متن اصلی: پست خانها.
۱۰. همان آسنوا Osnova.
۱۱. همان تاگانروگ Taganrog.
۱۲. متن اصلی: سیم.
۱۳. متن اصلی: بندرکاهای.
۱۴. Hayk جد اسطوره‌ای ملت ارمنستان (برای اطلاعات بیشتر تر بنگرید به Suny, 1994).
۱۵. همان تمدن کلد Chaldia در دوران باستان در قسمت شرقی آسیای صغیر (برای اطلاعات بیشتر تر بنگرید به Suny, 1994; Khodzko, 1851; Steinberg and Riasanovsky, 2005).
۱۶. Kartli نام اصیل استان مرکزی و عموماً کل کشور گرجستان (برای اطلاعات بیشتر تر بنگرید به منابع فوق).
۱۷. منظور از سفر یونانیان با سرکردگی ایسون با کشتی آرگو به کلخیس پادشاهی گرجستان غربی (برای اطلاعات بیشتر تر بنگرید به امیراحمدیان، ۱۳۸۳؛ Bronshtein, 2000).
۱۸. منظور از آشوریانی پال Ashurbanipal شاه آشور در سال‌های ۶۳۳-۶۶۹ قبل از میلاد است (بنگرید به Elliott, 2010).
۱۹. آرت‌سرونی (Artsruni) یکی از خاندان‌های اشرافی تاریخی ارمنستان در سده‌های ۱۳-۱۴ میلادی (برای اطلاعات بیشتر تر بنگرید به Suny, 1994).

۲۰. سناخریب (Sennacherib) شاه آشور در سال‌های ۶۸۱-۷۰۵ قبل از میلاد (برای اطلاعات بیشتر بنگرید به Elliott, 2010).
۲۱. Guria نام استان در گرجستان غربی در سواحل دریای سیاه.
۲۲. Lazistan منطقه‌ای در شمال شرقی آسیای صغیر.
۲۳. Bagrat اسم خاص مذکر.
۲۴. در نسخه اصلی: لوتر. مذهب لوترانیسم، یکی از گرایش‌های پروتستانیسم.
۲۵. در نسخه اصلی: ارامنه کریکورین. عنوان اصلی کلیسای ارمنستان «کلیسای ارتدکسی کاتولیک ارمنستان» است اما چنانچه کریگوری مقدس به‌عنوان بنیان‌گذار کلیسای ارمنستان محسوب می‌شود، در بسیاری از موارد خود کلیسای ارمنستان «کلیسای کریگوری» ذکر می‌شود.
۲۶. ارمنی‌های پیرو کلیسای کاتولیک روم.
۲۷. در نسخه اصلی: «جنرال قنسول» همان «سرکنسول».
۲۸. اصطلاح دیپلما سی. از فرانسوی Chargé d'affaires «نماینده رسمی». مبتنی بر مصوبه کنگره وین سال ۱۸۱۵م به‌عنوان چهارمین سمت دیپلماسی پس از «سفیر»، «فرستاده رسمی»، و «وزیر مختار» مشخص شده است (بنگرید به Steinberg and Riasanovsky, 2005).
۲۹. در نسخه اصلی: ارض روم. همه‌جا صحیح آن نوشته شد.
۳۰. شهر بندری مهم و مرکز استان آجارا در سواحل دریای سیاه گرجستان غربی کنونی که حدود سیصد سال دست عثمانی‌ها بوده است و بر اثر پایان جنگ روسیه و عثمانی سال‌های ۱۸۷۸-۱۸۷۶ میلادی به امپراتوری روسیه واگذار شد.

کتاب‌نامه

- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۳). *گرجستان در گذر تاریخ*، تهران: مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها. بامداد، مهدی (۱۳۷۱). *شرح حال رجال ایران*، ج ۵، چ ۴، تهران: زوار.
- نسخه خطی جغرافیای قفقازیه، شماره نسخه در مخزن مخطوطات کتابخانه ملی ایران ۵-۱۰۰۰۲.
- Bronshtein, I. A. Simonia (2000). *History of Tiflis Observatory in XIX century (1834-1880)*, *Istoriko-Astronomicheskie Issledovaniya*, Vyp. 25, ed. G. M. Idlis, Moscow: Nauka Publishers.
- Bolshakov, N. N., V. V. Vaynberg, P. N. Nikitin, and Iosif Ivanovich Khodzko (1960). *Scientific-Surveyor*, Moscow: Geodezizdat.
- Elliott, Mark (2010). *Azerbaijan with Excursions to Georgia*, 4th edition, UK: Trailblazer Publications.

- Khalfin N. A., E. F. Rassadina, and N. B. Khanikov (1977). *Orientalist and Diplomat.*, Moscow: Nauka Publishers.
- Khodzko, Iosif I. (1851). *On the Ascent to the Summit of the Great Ararat in 1850*, Tbilisi: Printing of the Office of the Viceroy General of Caucasus.
- Richmond, Walter (2008). *The Northwest Caucasus: Past, Present, Future, Central Asian Studies Series*, London & New York: Routledge Curzo Publishers.
- Shishov, Aleksey (2007). *Battle for the Caucasus*, Moscow.
- Steinberg, Mark D. and Nicholas Valentine Riasanovsky (2005). *A History of Russia*. Oxford University Press.
- Suny, Ronald Grigor (1994). *The Making of the Georgian Nation*, Indiana University Press.